

روشهای تدوین حدیث و سنجش آنها با یکدیگر

سید کاظم طباطبایی

دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی (مشهد)

چکیده:

از زمانی که مسلمانان برای صیانت از سنت نبوی (ص) به ضرورت تدوین حدیث پی بردند، کتابها و مجموعه‌های بسیاری در حدیث فراهم آمد. در جملگی این کتابهای احادیث به یک سبک تدوین نشده؛ بلکه روش دسته‌بندی و تدوین احادیث در این کتابها به تناسب هدف، ذوق و سلیقه مؤلف، و یا زیر تأثیر زمانه و ابزارها و وسایل علمی موجود بکلی با یکدیگر فرق دارد. نگارنده در این مقاله می‌کوشد تا به اجمال معروفترین روشهای تدوین حدیث را معرفی کند تا از رهگذر شناخت آن روشها و سنجش آنها با یکدیگر، ارزش و فواید و احیاناً کاستیهای هر یک شناخته شود.

کلید واژه‌ها: تدوین حدیث، آغاز تدوین، روشهای تدوین، انواع کتابهای حدیثی، تدوین بر اساس موضوع، تدوین بر اساس راوی.

تدوین حدیث در میان شیعه و اهل سنت سرنوشتی متفاوت دارد. با آنکه اهتمام به شنیدن و ضبط و نقل احادیث هم در میان پیروان اهل بیت (ع) وجود داشت و هم در میان پیروان خلیفگان؛ یک تفاوت ریشه‌ای در سده نخست هجری میان این دو گروه به چشم می‌خورد و آن عبارت از این است که سنّیان در مدّت یک سده به پیروی از دستور خلیفه دوم و نظر برخی دیگر از صحابه، نوشتن و تدوین حدیث را نمی‌پسندیدند و عذر آنان برای این کار این بود که مبدا حدیث با قرآن

مشتبه شود و یا اهتمام به حدیث جای اهتمام به قرآن را بگیرد^(۱) (صبحی صالح، ص ۷، ۳۰)، ولی پیروان اهل بیت (ع) از همان آغاز همچنان که نسبت به شنیدن و ضبط و نقل احادیث کوشا بودند، به نوشتن و تدوین آن نیز همت گماشتند.

سنّیان در آغاز سده دوم به اشتباه خود پی بردند و این سدّ را که خلیفه دوم بنا نهاده بود، عمر بن عبد العزیز (د. ۱۰۱ ق) خلیفه پارسای اموی که خود از سوی مادر از تبار خلیفه دوم بود، شکست و با دستوری که وی صادر کرد و طی آن محدثان را به نگاشتن حدیث و صیانت از سنّت نبوی (ص) برانگیخت (ابن سعد، ۱۳۴/۲/۲)، موجی از تلاش و نشاط علمی برای تدوین حدیث در میان سنّیان پدید آمد^(۲). هنوز اندکی از این نشاط علمی نگذشته بود که مجموعه‌های حدیثی گوناگون سده دوم فراهم آمد. این کتابها و مصنّفات بطور همزمان در شهرها و مناطق مختلف پدیدار گشت. در این که نخستین بار چه کسی پس از فرمان عمر بن عبد العزیز مجموعه‌ای فراهم آورد، اختلاف است: معروف است که محمد بن مسلم بن شهاب زهری مدنی (د. ۱۲۴ ق) نخستین کسی است که فرمان عمر را گردن نهاده (سیوطی، تدریب الراوی، ۹۰/۱) و خود در مقام افتخار به کارش گفته: «هیچ کس پیش از من این دانش را تدوین نکرده است.» (کتّانی، ص ۴).

از آن پس تدوین حدیث روز به روز رونق بیشتری یافت تا آن جا که از آن روزگار کتابها و مجموعه‌های بسیاری در حدیث از سوی شیعیان و سنّیان فراهم آمده است و می‌آید اما این کتابها همه به یک سبک تدوین نشده، بلکه روش تدوین احادیث

۱- با آن که پیامبر (ص) به روشنی به عبدالله پسر عمرو بن عاص فرموده بود: « [آنچه را از من می‌شنوی] بنویس. سوگند به آن که جانم به دست اوست، از دهان من جز حق بیرون نمی‌آید.» (نک: ابن حنبل، ۱۰/۱۵-۱۶؛ ۵۶/۱۱، ۱۳۹-۱۴۰).

بنابراین اگر ممنوعیتی هم از نگارش حدیث وجود داشته، به عقیده محققان اهل سنّت با این فرمان از میان رفته و نسخ شده است. (نک: توضیحات احمد محمد شاکر به دنبال همان حدیث).

۲- برخی از حدیث پژوهان معاصر بر این باورند که این فرمان زمانی صادر شد که بسیاری از تابعان از قبیل: سعید بن مسیب (د. ۹۴ ق)، شعبی (د. ۱۰۳ ق)، مُجاهد بن جبر مکی (د. ۱۰۴ ق)، عطاء بن ابی رباح (د. ۱۱۴ ق) و قنّاده بن دعامة سدوسی (د. ۱۱۸ ق) عملاً به ضرورت این امر پی برده بودند (صبحی صالح، صص ۳۵-۳۷).

آنها به تناسب هدف، ذوق و سلیقه مؤلف و یا زیر تاثیر شرایط زمانه و ابزارها و وسایل علمی موجود بکلی با یکدیگر متفاوت است. نگارنده در این نوشتار، به اجمال معروفترین انواع کتابهای حدیث را معرفی می‌کند تا از رهگذر سنجش میان آنها، روشهای گوناگون تدوین حدیث از یکدیگر شناخته شود و مقدار ارزش و فواید و احیاناً کاستیهای هر یک از آنها بیشتر معلوم گردد. مهمترین و معروفترین گونه‌های کتابهای حدیث به شرح زیر است:

یکم - کتابهایی که بر محور ابواب تألیف شده‌اند:

روش تألیف این کتابها بدین گونه است که تمام احادیثی که به موضوعی واحد مربوط می‌شوند، زیر عنوانی فراگیر مثل «کتاب الحجة»، «کتاب الصلاة»، «کتاب الزکاة»، «کتاب النکاح» در کنار هم قرار می‌گیرند. آنگاه این احادیث در بابها توزیع می‌شوند و هر بابی یک یا چند حدیث را در موضوعی جزئی در بر می‌گیرد و برای هر بابی عنوانی در نظر گرفته می‌شود که موضوع آن باب را نشان می‌دهد، مثل «باب مفتاح الصلاة الطهور»^(۱).

فایده این گونه کتابها این است که رجوع به آنها آسان است، زیرا پژوهنده اگر بخواهد در مسأله معینی به احادیث مربوط به آن آگاهی یابد، موضوع آن حدیثها او را و می‌داند که به ابواب رجوع کند و اگر بخواهد حدیثی را که پیش از این دیده بجوید و آن را در مآخذ معتبر بیابد، موضوع حدیث او را به بابی که حدیث در آن هست، رهنمون می‌سازد.

البته بهره‌وری از این کتابها به برخورداری از ذوق علمی و آگاهی از روش محدثان بزرگ در تبویب کتابهایشان نیاز دارد. تا جوینده بتواند به موضوع حدیث راه یابد. بسا دیده شده است که مؤلفانی حدیثی را در غیر از آن بابی که انتظار می‌رود آورده‌اند و این بدان جهت است که یک حدیث گاه به چند موضوع مربوط می‌گردد.

تصنیف بر محور ابواب خود روشهای گوناگونی دارد که پاره‌ای از آنها یاد می‌گردد:

۱- باب کلید نماز طهارت یافتن [وضو، غسل یا تیمم] است.

الف - جوامع

جامع (که جمع آن جوامع است) در اصطلاح حدیث شناسان کتابی است که احادیث و ابواب آن تمام موضوعات دینی را در بر می‌گیرد. برخی شمار ابواب اصلی این موضوعات را هشت باب دانسته‌اند، بدین قرار: عقاید، احکام، تاریخ و سیر، آداب خوردن و آشامیدن، تفسیر، فتن و اشراف السّاعة، شمایل یا باب سفر و نشستن و برخاستن، مناقب و مثالب (صنعانی، ۱۵/۲. قس: کتانی، ص ۳۲؛ عتر، ص ۱۹۹). توضیح اینکه کلمه «جامع» در زبان عرب از لحاظ گستردگی معنی، بر مسجدی را که در آن نماز جمعه بر پا می‌گردد، از لحاظ گرد آمدن مردم در آن «المسجد الجامع» خوانند و سخنی را که لفظ آن اندک و معنایش بسیار باشد «الكلام الجامع» و «كلمة جامعة» گویند. روز جمعه را هم که هنگام اجتماع مردم است، «اليوم الجامع» می‌نامند. به دیگ بزرگ هم «قدّر جامع» گویند. غُلّ (بند و زنجیر آهنین) را هم «الجامعه» خوانند، زیرا دستان زندانی را به گردنش می‌بندد (جوهری، ماده جَمَع) و اخیراً دانشگاه را هم از آن جهت که رشته‌های گوناگون دانش بشری را در بر دارد «جامعه» نامیده‌اند (مجمع اللغة العربیة، المعجم الوسیط، ماده جمع) دانشمندان و نویسندگان مسلمان نیز از گستردگی و فراگیری این واژه بهره برده، آن دسته از کتابهای خود را که در موضوع خود جامع الاطراف و در بر دارنده همه یا بیشتر مسائل وابسته به آن موضوع بوده، «جامع» نام نهاده‌اند و گاه با ترکیب وصفی یا اضافی مثلاً گفته‌اند: «الجامع الصحیح» یا «جامع الاحکام» (برای آگاهی بیشتر نک: واعظ زاده خراسانی، ص ۴۹-۵۰).

کتابهای جامع بسیار است. نام‌آورترین آنها در شیعه عبارت است از:

- ۱ - الکافی اثر ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی (د. ۳۲۹ ق).
- ۲ - الوافی از محمد بن مرتضی معروف به ملاً محسن فیض کاشانی (د. ۱۰۱۹ ق).
- ۳ - بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار از علامه محمد باقر بن محمد تقی مجلسی اصفهانی (د. ۱۱۱۰ یا ۱۱۱۱ ق).

و در میان کتابهای سنّیان معروفترین جوامع بدین قرار است:

- ۱ - الجامع الصحیح از محمد بن اسماعیل بخاری (د. ۲۵۶ ق).
 - ۲ - الجامع الصحیح از مسلم بن حجاج قُشیری نیشابوری (د. ۲۶۱ ق).
- این دو کتاب به «صحیحین» (دو صحیح) معروفند.

ب - سنن

سنن کتابهایی است که احادیث احکام را در بر می‌گیرد. این احادیث بر پایه ابواب فقه مدوّن شده است. نام آورترین کتابهای سنن بدین قرار است:

- ۱ - السنن از ابو داوود سلیمان بن اشعث اَزْدی سجستانی (د. ۲۷۵ ق).
- ۲ - السنن از ابو عبد الله محمد بن یزید قزوینی معروف به «ابن ماجه» (د. ۲۷۵ ق).

۳ - السنن از محمد بن عیسی بن سَوْرَه ترمذی (د. ۲۷۹ ق). کتاب ترمذی به نام جامع هم شناخته می‌شود.

- ۴ - السنن معروف به المجتبی اثر ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب نسایی (د. ۳۰۳ ق).

این چهار کتاب به "سنن چهارگانه" معروفند.

شایان ذکر است که در میان مجموعه‌های حدیثی شیعه، کتابی که به نام سنن معروف باشد وجود ندارد، اما مجموعه‌های زیر از جهت در بر داشتن احادیث فقهی همانند سنن یاد شده‌اند:

- ۱ - من لا یحضره الفقیه از ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی ملقب به "صدوق" (د. ۳۸۱ ق).

- ۲ - تهذیب الاحکام از ابو جعفر محمد بن حسن طوسی ملقب به "شیخ الطائفه" (د. ۴۶۰ ق).

۳ - الاستبصار فیما اختلف من الاخبار از دانشمند پیشین .

- ۴ - وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه از محمد بن حسن معروف به "شیخ حرّ عاملی" (د. ۱۱۰۴ ق).

ج - صحاح

صحاح (جمع صحیح)، کتابهایی هستند که مولفان آنها به پندار خویش کوشیده‌اند تا تنها احادیث صحیح را در کتاب خویش به ودیعت گذارند؛ نه احادیث ضعیف یا ساختگی را. به عبارت دیگر، مولفان این کتابها در آغاز شرایطی برای صحت حدیث در نظر گرفته، آنگاه احادیث را بر وفق این شرایط، برگزیده و مدوّن ساخته‌اند (برای آگاهی از شروط صحت حدیث نزد این محدثان نک: مدیر شانه‌چی، علم الحدیث، زیر نویس صفحه ۴۹). در میان مجموعه‌های حدیثی اهل سنت کتابهای بسیاری به نام «صحیح» خوانده می‌شوند، ولی غالباً مراد از واژه «صحاح»، همان صحیح بخاری و مسلم و سنن چهارگانه است. البته باید دانست که حدیث شناسان درباره سنن ابن ماجه اختلاف نظر دارند. برخی چون رزین سرفسطی (د. ۵۳۵ ق) و ابن اثیر، الموطأ اثر مالک بن انس و برخی دیگر چون ابن حجر عسقلانی، سنن دارمی را به جای آن در شمار صحاح ششگانه به حساب آورده‌اند (کتانی، ص ۱۰-۱۱). همچنین گفتنی است که این شش کتاب را بر سبیل تغلیب صحاح خوانده‌اند و گرنه به اعتراف خود دانشمندان اهل سنت، منزلت سنن چهارگانه از صحیح بخاری و مسلم پایین‌تر و دقت و ضبط آنها از این دو کتاب کمتر است (صبحی صالح، ص ۳۰۰).

د - مصنفات

مصنف کتابی است که بر اساس ابواب مدوّن شده؛ اما در کنار احادیث مرفوع^(۱)، احادیث موقوف^(۲) و مقطوع^(۳) را نیز در بر دارد (عتر، ص ۲۰۰). معروفترین مصنفها یکی مصنف عبدالرزاق بن همام صنعانی (د. ۲۱۱ ق) و دیگری

۱- مرفوع، بنا بر مشهورترین اقوال، گفتار یا کردار یا تقریری است که به پیامبر (ص) نسبت داده‌اند. خواه آن را صحابی به پیامبر (ص) نسبت داده باشد، خواه تابعی و خواه مردمان دوره‌های بعد؛ چه اسناد آن پیوسته باشد، چه گسسته (صبحی صالح، ص ۲۲۶-۲۲۸).

۲- موقوف (در برابر مرفوع) گفتار یا کردار یا تقریری است که از صحابی پیغمبر (ص) نقل شود، بی آنکه وی آن را به پیامبر (ص) اسناد دهد، چه زنجیره سند تا صحابی پیوسته باشد، چه گسسته (صبحی صالح، ص ۲۱۸).

۳- مقطوع (در برابر مرفوع و موقوف) گفتار یا کردار یا تقریری را گویند که به تابعی نسبت داده باشند (صبحی صالح، ص ۲۲۰).

مصنّف ابی بکر بن ابی شیبّه (د. ۲۳۵ ق) است.

ه - مستدرکات

مستدرک کتابی است که به عنوان متمّم کتابی دیگر نوشته می شود. مؤلف در مستدرک تلاش می کند تا احادیثی را که با شروط کتاب پیشین موافق است و از آن کتاب فوت شده گردآوری کند. نام آورترین مستدرکها یکی **مستدرک الصحیحین** است از ابو عبدالله حاکم نیشابوری و دیگری **مستدرک الوسائل** از میرزا حسین نوری (د. ۱۳۲۰ ق) که اولی متممی است بر صحیح بخاری و مسلم و دومی متممی است بر **وسائل الشیعه** اثر شیخ حرّ عاملی.

و - مستخرجات

در مستخرج یا مخرّج، مؤلف احادیث کتابی را در نظر می گیرد و آن حدیثها را نه با «طریق» صاحب کتاب، بلکه با سندی که خود از طریق استادان خویش در اختیار دارد، نقل می کند. البته در طبقات بالاتر، طرق روایت به یکدیگر می پیوندند (عتر، ص ۲۶۱). مانند **مستخرج ابوبکر اسماعیلی** نسبت به صحیح بخاری و **مستخرج ابو عوانه** اسفراینی (د. ۳۱۶ ق) نسبت به صحیح مسلم. گفتنی است که در پاره ای از کتابها مستخرج ابو عوانه را به غلط در شمار مسندها یاد کرده اند. (مدیر شانه چی، ص ۶۱).

ز - مجامع یا کتابهای فراگیر

مجامع کتابهایی است که احادیث شماری از مأخذ حدیث را بر اساس ابواب در آنها گرد آورده اند. مهمترین این گونه مجموعه ها بدین قرار است:

۱ - **جامع الاصول من احادیث الرسول** اثر مبارک بن محمد جزری معروف به "ابن اثیر" (د. ۶۰۶ ق). وی در این کتاب احادیث صحیح بخاری و مسلم، موطأ مالک و سنن نسایی، ترمذی و ابو داوود را فراهم آورده و احادیث را از اساتید مجرد ساخته و در پی هر حدیث به اختصار واژه های نامأنوس آن را شرح داده است.

۲ - **کنز العمّال فی سنن الاقوال و الافعال** از علی بن حسام متقی هندی (د. ۹۷۵ ق). مؤلف در این مجموعه تخمیناً احادیث ۹۳ کتاب را یکجا گرد آورده و از این حیث کتاب مزبور به **بحار الانوار** مرحوم علامه مجلسی شباهت دارد. اساکنزالعمّال

کتاب جمع الجوامع سیوطی است.

۳ - التّاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول اثر منصور علی ناصف (د). پس از ۱۳۷۱ ق / ۱۹۵۱ م). التّاج که شامل ۵۸۸۷ حدیث است (زرکلی، ۳۰۱/۷)، مسلم، سنن ابو داوود و ترمذی و مجتبی اثر نسایی را در بر می‌گیرد. مؤلف احادیث را از اسانیدش عاری ساخته است.

دوم - کتابهایی که بر محور نامهای صحابه مدوّن شده‌اند:

در این کتابها تمام احادیثی که یک صحابی روایت می‌کند، در یک جا فراهم می‌آید و در این روش اگر پژوهنده نام صحابی ناقل حدیث مورد نظر خود را بداند، به آسانی بدان دست می‌یابد. افزون بر آن، این روش برای آگاهی از شمار روایت‌های یک صحابی از پیامبر (ص) و نوع آنها سودمند تواند بود. این کتابها خود دوگونه‌اند:

الف - مسانید

مسانید جمع مُسند و مسند کتابی است که در آن احادیث به ترتیب صحابه، یعنی نخستین مرجع در اسناد حدیث پس از پیامبر، گرد آمده باشد. شیوه مسند نویسی با تألیف بر پایه ابواب تفاوت دارد. به این معنی که در دومی - چنانکه دیدیم - به دنبال هر بابی احادیث وابسته به آن موضوع نقل می‌شود، ولی شیوه مسند نویسی غیر از آن است. در این طریقه احادیث را بر حسب راویان ترتیب می‌دهند. مثلاً هر چه را از طریق علی بن ابی طالب (ع) از پیامبر (ص) روایت شده، در یک فصل جداگانه می‌آورند. خواه اینکه حدیث وی در باب زکات باشد یا نماز یا طهارت یا موضوع دیگر و آنگاه که مؤلف از نقل احادیث صحابی نخستین فارغ شود به نقل احادیث صحابی بعدی می‌پردازد و به همین ترتیب پیش می‌رود. بنا بر این، اساس تقسیم بندی در آن «وحدت موضوع» و در این «وحدت صحابی» ناقل حدیث است (احمد امین، ۱۰۹/۲، ۱۲۱-۱۲۲) مسندها احادیث رسول خدا (ص) را همراه با زنجیره سند و غالباً پیراسته از آراء صحابه و فتوهای تابعان در بر دارند (همان، ۱۰۹/۲). گویا این قبیل کتابها را به تبع احادیث کامل الأسنادی که در آنها به ثبت رسیده، مسند خوانده‌اند. بدین معنی که این نام یا وصف را از یک

حدیث منفرد برگرفته و به کلّ مجموعه داده‌اند. (جوینبل^(۱))، مدخل «حدیث» در *دایرة المعارف مختصر اسلام*، ۱۱۹) و این از باب تسمیة کل به جزء است.

سیوطی درباره روشهای تدوین حدیث می‌نویسد: «دانشمندان در تألیف و گردآوری حدیث دو روش دارند: بهترین آنها، روش تألیف بر اساس ابواب فقهی است. همچون کتابهای ششگانه و *شُعَب الایمان و البعث و النشور* اثر بیهقی و جز اینها. بنا بر این روش، تمام روایاتی که درباره یک مسأله وارد شده و در دسترس مؤلف است و بر اثبات یا نفی آن مسأله حکم می‌کند، در باب مورد نظر ذکر می‌شود. در اینجا شایسته‌تر آن است که به آوردن احادیث «صحیح»^(۲) و «حسن»^(۳) قناعت ورزد و اگر تمام احادیث مربوط را گرد می‌آورد، علت ضعف احادیث «ضعیف»^(۴) را بیان دارد. روش دیگر تألیف به شیوه مسانید است. به این معنی که در پی نام هر صحابی تمام مرویات او را اعم از صحیح و حسن و ضعیف گرد می‌آورند. در این شیوه گاه مسندهای صحابه بر اساس حروف الفبای نام ایشان مرتّب و پس و پیش می‌گردد. [مثلاً از احادیث *أبی بن کعب* و *أسامة بن زید* و ... شروع می‌شود و به

1- Junboll.

۲- حدیث صحیح از نگاه حدیث شناسان اهل سنت، حدیث مُسنَدی است که اسناد آن از آغاز تا انجام از رهگذر نقل روایانی عادل و ضابط به پیامبر (ص) یا صحابی یا تابعی پیوندد و افزون بر آن از شدوذ (ستیز با حدیث مشهور) و علت (بیماری و عیب پنهان) نیز تهی باشد (صبحی صالح، ص ۱۴۵) و از نگاه حدیث شناسان امامی خبری است که سند آن به دست روایانی موثق و امامی مذهب به معصوم (ع) متصل گردد (مدیر شانه‌چی، *درایة الحدیث*، ص ۳۹).

۳- در تعریف حدیث حسن همه دانشمندان همسخن نیستند. برابر مشهورترین تعریفها، حسن خبری است که سندش از رهگذر نقل روایانی عادل، ولی کم حافظه (خفیف الضبط)، به پیامبر (ص) یا صحابی یا تابعی پیوندد و از شدوذ و علت سالم باشد (صبحی صالح، ص ۱۵۷؛ عتر، ص ۲۶۴) و نزد حدیث شناسان امامی خبر متصلی است که جملگی روایان آن امامی مذهب و ممدوح باشند؛ ولی بر عدالت هر یک تصریح نشده باشد، یا برخی ممدوح و بقیه ثقه باشند (مدیر شانه‌چی، *درایة الحدیث*، ص ۴۳).

۴- ضعیف خبری است که شروط حدیث صحیح و حسن در آن جمع نباشد. به سخن دیگر، خبری است که در مرتبتی نازلتر از حدیث حسن باشد. ضعیف خود انواع و مراتب گوناگونی دارد که از موجبات متعدّد ضعف حدیث ناشی می‌شود (صبحی صالح، ص ۱۶۷؛ مدیر شانه‌چی، *درایة الحدیث*، ص ۴۶-۴۸).

همین ترتیب ادامه می‌یابد]. این آسان‌یاب‌ترین روش در تألیف مسندهاست. و گاه قبایل را در نظر می‌گیرند و در نتیجه از بنی هاشم یعنی نزدیکترین خویشاوندان رسول خدا (ص) شروع می‌کنند و از نزدیکتر به دورتر پیش می‌روند. گاهی هم پیشی جستن در ورود به آیین مسلمانی را معیار قرار می‌دهند. در نتیجه از "عشره مبشره"^(۱) آغاز می‌کنند و سپس به ترتیب احادیث بدریان، شرکت‌کنندگان در صلح حدیبیه، صحابیانی که در فاصله صلح حدیبیه و فتح مکه هجرت کرده‌اند آنان که در روز فتح مکه به آیین مسلمانی در آمده‌اند و در واپسین مرحله، مسند صحابیانی را که کم سن و سال‌ترین بوده‌اند، می‌آورند مثل سائب بن یزید و ابو طفیل. [در تمام این شیوه‌ها] مسندهای زنان [غالباً] پس از مردان آغاز می‌شود و در میان زنان از همسران پیامبر (ص) شروع می‌کنند و به دیگر زنان می‌رسند. (سیوطی، تدریب، ۱۵۳/۲-۱۵۵. نیز نک: ابن صلاح، ص ۳۷۵). به عقیده "ابن صلاح" روش اخیر نیکوتر است (ابن صلاح، ص ۳۷۵). اما نباید فراموش کرد که همه مسلمانان درباره ترتیب برتری صحابه با یکدیگر همسخن نیستند. از سوی دیگر، روش دوم با تعالیم اسلام نیز ناسازگار می‌نماید؛ زیرا تقدیم و تأخیر صحابه بیشتر بر پایه وابستگی‌های قبیله‌ای است و از اندیشه‌های جاهلی مایه می‌گیرد. بنابراین، ترتیب نخست عاری از بیماریها و کاستیهای دوروش اخیر به نظر می‌رسد.

باید افزود که عادت بیشتر مؤلفان مسندها چنین است که مسند خود را با احادیث ابوبکر آغاز می‌کنند، پس از آن احادیث دیگر خلفای راشدین را به ترتیبی که خلافت کرده‌اند، می‌آورند و آنگاه احادیث بقیه عشره مبشره را یاد می‌کنند. چنانکه در مسند ابو داوود طیالسی و حمیدی و احمد همین ترتیب به چشم می‌خورد. بنابر حکایت "شاه عبد العزیز" در کتاب *بستان المحدثین*، ترتیب مسند

۱- ده تنی که به عقیده سنّیان، پیامبر (ص) پس از بیعت رضوان بدانان مؤدّه بهشت داد. آنان به ترتیب عبارتند از: ابو بکر، عمر، عثمان، امیر المؤمنین علی (ع)، سعد بن ابی وقاص، سعید بن زید، طلحه، زبیر، عبدالرحمن بن عوف و ابو عبیده جراح. به عقیده عامّه اینان برترین یاران رسول خداوند (نک: حمیدی، ۴۵/۱؛ سیوطی، تدریب الروای، ۲۲۳/۲).

عبد بن حُمَید و ابی یَعْلَى و بَرَّاز نیز به همین گونه است (اعظمی، مقدمه مسند الحمیدی، ۲۲/۱).

مسندها بسیار گونه گونه اند. مؤلفان در تدوین مسندها گاه بر احادیث یک تن صحابی بسنده کرده اند، مثل مسند امیرالمؤمنین یا مسند ابی بکر و گاهی احادیث چند تن از اصحاب را فراهم آورده اند، مثل مسند الاربعة یا مسند العشرة. گاهی هم احادیث گروه مخصوصی را فراهم ساخته اند که در داشتن ویژگی واحدی مشترکند، مثل مسند الْمُقَلِّین و مسند الصَّحَابَةِ الذِّین مَاتُوا فِی زَمَانِ النَّبِیِّ (ص) و در بسیاری موارد هم مرویات شمار فراوانی از اصحاب را گردآوری کرده اند، مانند مسند احمد بن حنبل و مسند ابی یَعْلَى مَوْصِلِی.

کتابی که مسند نام گرفته گاه به مؤلفش منسوب است، مانند مسند احمد بن حنبل و گاه به راوی اش، مانند مسند امام موسی بن جعفر (ع)، مسند الامام زید بن علی (ع) و مسند ابی حنیفه. گفتنی است که هرگاه مسند مطلق و بدون هرگونه قید به کار برده شود، مراد مسند احمد است (کتّانی، ص ۳۶).

ب - اطراف

اطراف جمع طَرْف و طَرْف به معنای نوک و لبه هر چیزی است (المعجم الوسیط، ماده طرف) و طَرْف حدیث جان کلام و برجسته ترین بخش از متن حدیث و نمودار آن است (جوینبل^(۱)، دایرة المعارف اسلام، ذیل مدخل مسند) مانند جمله «الاعمالُ بالنیات» در حدیث «انما الاعمالُ بالنیات و لکل امری ما نوى. فمن کانت هجرته الى الله - عزّ و جلّ - فهجرته الى ما هاجر الیه، و من کانت هجرته لدنیا یُصبیها أو امرأة ینکحها فهجرته الی ما هاجر الیه» (ابن حنبل، ۱/۱۷۰).

مقصود از کتابهای اطراف کتابهایی است که مؤلف به ذکر برجسته ترین بخش حدیث قناعت می کند. آنگاه طرق نقل و اسانید آن حدیث را از مآخذی که آن را روایت کرده اند یکجا گرد می آورد. برخی از مؤلفان تمام طرق نقل یک حدیث را فراهم می آورند و برخی به ذکر پاره ای از طرق بسنده می کنند. بنابراین این می توان گفت: کتابهای اطراف در واقع، حکم «فهرست راهنما» یا «فرهنگ حدیث یاب» را

دارند. این فرهنگها از دو جهت سودمند است: یکی آنکه آگاهی بر اسانید حدیثها را آسان می‌کند، زیرا تمام طرق در یک جای فراهم آمده است؛ دیگر آنکه نشان می‌دهد از صاحبان منابع و مجموعه‌های حدیثی چه کسانی آن حدیث را نقل کرده و در چه بابی از کتاب خود آورده‌اند.

این قبیل فهرستها بسیارند. معروفترین آنها *تحفة الاشراف بمعرفة الاطراف*، اثر حافظ ابو الحجاج یوسف بن عبدالرحمن میزی (د. ۷۴۲ ق) است. مؤلف در این کتاب، اطراف احادیث صحاح ششگانه و پاره‌ای کتابهای دیگر را گردآورده است. این کتاب بر اساس ترتیب الفبایی نام صحابه مدون شده و از همین رو با مسند "أبیض بن حمّال" آغاز گردیده است (برای آگاهی بیشتر درباره کتابهای اطراف نک: سیوطی، تدریب، ۲/ ۱۵۵؛ کتانی، ص ۱۶۸-۱۷۰؛ عتر، ص ۲۰۱-۲۰۲).

سوم - معاجم:

معاجم، جمع معجم و معجم کتاب حدیثی است که احادیث در آن به ترتیب صحابه یا استادان یا شهرها فراهم آید. معجم‌ها غالباً به ترتیب حروف الفبا هستند. به این معنی که مؤلف معجم از میان استادان خود مثلاً از احادیث ابان شروع می‌کند، سپس احادیث ابراهیم را می‌آورد و به همین ترتیب پیش می‌رود (کتانی، ص ۱۰۱؛ عتر، ص ۲۰۳). گاهی هم ترتیب معجم‌ها بر اساس تاریخ وفات استادان یا بر مبنای فضیلت و تقدّم و تاخّر آنان نسبت به یکدیگر در دانش و پرهیزکاری است (قاسمی، ص ۱۰۶).

نام آورترین معجم‌ها، معجم سه گانه ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی (د. ۳۶۰ ق) می‌باشد. در میان این سه معجم، *المعجم الصغير و المعجم الاوسط* بر اساس نام استادان مؤلف فراهم آمده و *المعجم الكبير* مسندهای صحابه را به ترتیب حروف الفبای نام آنان در بر دارد. معجم کبیر بزرگترین معجم‌هاست و شهرتش به حدی است که هرگاه بطور مطلق بگویند «معجم» یا بگویند «طبرانی این حدیث را در کتابش آورده» همین معجم کبیر مورد نظر است (عتر، همانجا). به نظر نگارنده معجم کبیر خود گونه‌ای از مسندهاست.

چهارم - کتابهایی که بر اساس واژه‌های آغازین احادیث مرتب شده‌اند:

این کتابها بر اساس نخستین واژه از متن حدیث و به ترتیب ابجدی یا الفبایی ترتیب یافته‌اند. این روش برای مراجعه بسی آسان است، ولی پژوهشگر باید دقیقاً عین نخستین واژه از حدیث مورد نظر خو را بداند وگرنه تلاش او برای یافتن آن حدیث سودمند نمی‌افتد. این تألیفات دو گونه‌اند:

الف - کتابهایی که احادیث مجموعه‌های حدیثی گوناگون را در خود فراهم آورده‌اند. مهمترین اینها دو کتاب است:

۱ - *الجامع الكبير* یا *جمع الجوامع* از جلال الدین سیوطی. مؤلف این کتاب را بر پایه مندرجات بیش از هفتاد کتاب و مجموعه حدیثی تألیف (سیوطی، جامع الاحادیث، ۶/۱-۸، ۱۳-۱۶) و آن را در دو بخش تدوین کرده است:

نخست - بخش اقوال: در این بخش سخنان منسوب به پیامبر (ص) بر پایه حروف ابجد مرتب شده است. بنا بر این کافی است که پژوهنده نخستین کلمه از حدیث مورد نظر را بداند تا بتواند به آسانی به متن کامل آن حدیث و مرتبت آن از حیث صحّت، حُسن و ضعف دست بیابد.

دوم - بخش افعال: این بخش بر پایه مسانید صحابه تنظیم شده است. کسی که به این بخش بنگرد آنچه را که یک صحابی از افعال پیامبر (ص) روایت کرده یا خود آن صحابی گفته یا گفتار و کرداری را که به وی نسبت داده‌اند، یکجا در مسندی که به نام همان صحابی نامگذاری شده خواهد دید (همان، ۵/۱-۶).

مؤلف در کتاب مورد بحث، احادیث را بدون زنجیره سند می‌آورد و به ذکر مُخَرَّج یا مُخَرَّجَان^(۱) آن قناعت می‌کند و با رمز و نشانه اختصاری خواننده را به منابع خود رهنمون می‌سازد (برای آگاهی از منابع سیوطی و نشانه‌های اختصاری آن منابع نک: همان، ۶/۱-۱۹). هدف سیوطی در این کتاب آن بوده که تمام احادیث نبوی (ص) را که در کتابهای گوناگون یافته است، در یک مجموعه فراهم آورد، اما به عقیده برخی در این جهت به توفیق کامل دست نیافته است (حاجی

۱- مُخَرَّج یا مُخَرَّج کسی را گویند که حدیث را در کتاب خود ذکر کرده باشد، مانند کلینی در *الکافی* و بخاری در *الجامع الصحیح* (مدیر شانه‌چی، *درایة الحدیث*، ص ۲۳).

خلیفه، ۱/۵۹۷).

۲ - *الجامع الصغير لاحاديث البشير النذير* از همو. سیوطی این کتاب را از اثر پیشین برگرفته و احادیث تکراری آن را حذف و روایاتی را بر آن افزوده است. مؤلف در این کتاب به آوردن احادیث کوتاه بسنده کرده و به پندار خویش آن را از احادیث ساختگی پالوده است. *جامع الصغير* بر ۱۰۰۳۱ حدیث بالغ می‌گردد. به عقیده یکی از حدیث‌شناسان معاصر، این دو کتاب کوششی است برای فهرست نویسی کتابهای حدیث. زیرا مؤلف مندرجات این دو کتاب را بر اساس حروف مرتب کرده و خواننده را با رمز به منابع آن احادیث رهنمون ساخته است (شاکر، تعلیقه بر مقاله حدیث» در *دایرة المعارف الاسلامیة*).

ب - کتابهایی که احادیثی را در خود فراهم ساخته‌اند که بر سر زبان مردمان جاری است. مانند حدیث «*الْحَرْبُ خُدْعَةٌ*»^(۱) (بخاری، ۷۷/۴. برای آگاهی از برخی از این احادیث نک: عتر، ص ۴۱۱-۴۱۲). هدف دانشمندان از جمع این احادیث، روشن ساختن حال این احادیث است. نام‌آورترین این گونه کتابها عبارتند از:

۱ - *المقاصد الحسنة فی الاحادیث المشتهرة علی الالسنة* از شمس الدین محمد بن عبدالرحمن سخاوی (د. ۹۰۲ ق). این کتاب ۱۳۵۶ حدیث از احادیث متداول بر سرزبانها را در بردارد. مؤلف در بیان حال احادیث، گاه می‌گوید: «لا اصل له»، یعنی این حدیث را سندی نیست و در هیچ یک از مجموعه‌های حدیثی این روایت به چشم نمی‌خورد و گاهی می‌گوید: «لا أعرفه»، یعنی من برای این حدیث به سندی دست نیافته‌ام.

۲ - *كشف الخفاء و مُزيل الإلباس عمّا اشتهر من الحديث علی ألسنة الناس* اثر اسماعیل بن محمد عجلونی (د. ۱۱۶۲ ق). وی احادیث کتاب سخاوی را همراه با گزیده سخن وی و نیز مطالب سودمندی در فن حدیث در کتاب خود آورده و احادیث بسیاری بر آن افزوده، تا جایی که شمار احادیث کتاب مزبور به ۳۲۵۰ رسیده است، از همین رو در نوع خود فراگیرترین کتاب به شمار می‌آید.

پنجم - زواید:

گاه مولف دو کتاب حدیث را در نظر می‌گیرد و محتویات آن دو را با یکدیگر می‌سنجد و احادیث زاید یکی بر دیگری را در کتابی گرد می‌آورد. این گونه کتابها را "زواید" خوانند (عتر، ص ۲۰۶). از این گروه‌اند:

۱ - مجمع الزوائد و منبع الفوائد اثر نورالدین علی بن ابی بکر هیتمی (د. ۸۰۷ ق) که احادیث زاید بر صحیح‌های ششگانه را از مسند احمد و ابی یعلی و یزاز و معجمهای سه گانه طبرانی بیرون کشیده و حال احادیث را از جهت صحت و ضعف و پیوستگی و گسستگی سند آن، روشن ساخته است.

۲ - المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية اثر ابن حجر عسقلانی (د. ۸۵۲ ق). وی در این کتاب احادیث هشت مسند کامل، یعنی مسندهای حمیدی، طیالسی، ابن ابی عمر، مسدد بن مسرهد، ابن منیع، ابن ابی شیبه، عبد بن حمید، ابن ابی اسامة و نیز نیمی از مسند اسحاق بن راهویه را تتبع کرده و احادیث زاید بر کتابهای ششگانه و مسند احمد را از این کتابها بیرون کشیده و علاوه بر مسندهای یاد شده، پاره‌ای از احادیث مسند ابی یعلی را هم بر آنها افزوده و آن احادیث را بر اساس ابواب فقهی منظم ساخته است (ابن حجر، ۱/۳-۵).

ششم - کتابهای تخریج:

تخریج کتابی است که برای نشان دادن منابع و مآخذ احادیث کتابی معین نوشته می‌شود. مانند المُنْعَى عن حمل الأسفار فی الأسفار فی تخریج ما فی الإحیاء من الاخبار، تألیف حافظ عبدالرحیم بن حسین عراقی (د. ۸۰۶ ق). عراقی در کتاب خود احادیث احیاء علوم الدین غزالی را تخریج کرده، بدین معنی که در آغاز طَرَف هر حدیث از احادیث احیاء را ذکر می‌کند. سپس نشان می‌دهد که چه کسی آن حدیث را در کتاب خود آورده و کدام صحابی آن را روایت کرده و پس از آن بیان می‌کند که آن حدیث صحیح است یا حسن یا ضعیف. این اثر همراه با احیاء چاپ شده است (عتر، ص ۲۰۷-۲۰۸).

هفتم - اجزاء:

اجزاء جمع جزء است و جزء، مجموعه حدیثی است که تنها از یک تن نقل

شده باشد، چه آن کس از طبقه صحابه باشد یا از طبقه‌های بعدی. مانند جزء حدیث ابی بکر و جزء حدیث مالک. به مجموعه حدیثی هم که درباره یک مطلب گردآوری شده باشد، جزء گویند. مانند *جزء القراءة خلف الامام* اثر بخاری. نوشته‌ای را هم که به بررسی اسنادهای یک حدیث واحد پردازد، جزء خوانند. مانند *اختیار الأولى فی حدیث اختصام المأ الاعلی* از ابن رجب حنبلی (کتانی، ص ۶۴-۶۵؛ عتر، ص ۲۰۹). بخشهای گوناگون خصال شیخ صدوق هم در حکم اجزاء است.

اربعین نویسی هم که از دیر زمان رواج داشته، خود نوعی جزء نویسی است. باید دانست اربعین نویسی به استناد حدیثی *مستفیض*^(۱) است که از رسول اکرم (ص) نقل کرده‌اند. آن حدیث چنین است: «مَنْ حَفِظَ عَلٰی اُمَّتِيْ اَرْبَعِيْنَ حَدِيْثًا مِّمَّا يَحْتَاجُوْنَ اِلَيْهِ فِيْ اَمْرِ دِيْنِهِمْ بَعَثَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيْهًا عَالِمًا»^(۲) (بهایی، ص ۶). حجم اجزاء از چند برگ تا دهها برگ در نوسان است. اما غالباً جزء، مجموعه‌ای کوچک است. امتیاز جزء این است که نشان دهنده دانش و ژرفکاو نویسنده‌اش می‌باشد، زیرا نوشتن مطلب درباره یک موضوع کوچک به ژرف‌نگری و بررسی همه جانبه نیاز دارد.

هشتم - مشیخات:

مشیخات جمع *مَشِيْخَة* (به کسر شین) و *مَشِيْخَة* اسم مکان از کلمه شیخ و شیخوخه به معنای محلّ یاد کردن استادان و اسنادهاست و مقصود از آن کتابی است که محدّثان نام استادان خود و کتابها و احادیثی را که از آنان فرا گرفته‌اند، در آن فراهم می‌آورند و اسناد خود را به آن کتابها در آن می‌نویسند (میرداماد، ص ۷۵؛ قس: عتر، ص ۲۰۹). مثل *مشيخة الفقيه* اثر شیخ صدوق که به پیوست کتاب *مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيْهَة* چاپ شده است. محدّثان در تألیف مشیخه روشهای گوناگون دارند.

۱- مستفیض خبری است که راویان آن در هر طبقه بیش از دو تن و به قولی بیشتر از سه تن باشند؛ ولی به سر حدّ تواتر نرسیده باشد (مدیر شانه‌چی، درایه، ص ۴۹). طرق نقل این حدیث نزد عامّه و خاصّه مستفیض است (بهایی، ص ۱۱).

۲- ترجمه حدیث بدین قرار است: «هر کس برای اُمّت من چهل حدیث از احادیثی را که در کار دین خود بدانها نیازمندند حفظ کند، خداوند در روز رستاخیر او را فقیه و دانشمند برمی‌انگیزد».

پاره‌ای از مشیخه‌ها را "فهرست" نامند. هر چند که برخی از پژوهندگان مشیخه‌ها را در ردیف کتابهای حدیث شمرده‌اند (عتر، همانجا)، ولی به نظر نگارنده مشیخه به کتابهای رجال بیشتر شباهت دارد تا به کتابهای حدیث.

نهم - علل :

علل جمع علّت و علّت عبارت از عیب پنهان و پیچیده‌ای است که بر حدیث عارض می‌گردد و در نتیجه صحّت و سلامت حدیث را خدشه‌دار می‌سازد و "معلّل" حدیثی است که در آن عیبی یافت شود که به سلامت حدیث لطمه وارد کند، با آنکه آن حدیث بر حسب ظاهر تهی از عیب به نظر می‌رسد. حدیث معلّل خود اقسامی دارد:

۱- معلّل در سند، ۲- معلّل در متن، ۳- معلّل در هر دو (سیوطی، تدریب، ۲۵۱/۱-۲۵۲؛ عتر، ص ۴۴۷-۴۵۴). "علل" کتابهایی است که احادیث معلّل را همراه با بیان علّتش در آن گرد می‌آورند (عتر، ص ۲۱۰). تصنیف کتابهای علل اوج تلاشهای محدّثان به حساب می‌آید. زیرا در تتبع اسانید به تلاش پیگیر و شکیبایی بسیار و باریک بینی و ژرفکاوی نیاز است تا بتوان از این رهگذر به عیبهای پوشیده و پنهان حدیث پی برد. *المسند المعلّل* اثر یعقوب بن شیبّه سدوسی (د. ۲۶۲ ق) را می‌توان نمونه‌ای از کتابهای علل به شمار آورد (حاجی خلیفه، ۲/۱۶۷۸).

دهم - امالی :

امالی جمع املاء^(۱)، غالباً به آن گروه از کتب حدیث گویند که شیخ حدیث در مجالس متعدّد آنها را بر شاگردان املاء کرده باشد، مانند *امالی* شیخ صدوق. از همین رو، امالی را «مجالس» نیز نامند. گفتنی است که همه کتب امالی به موضوع حدیث مربوط نمی‌شود، بلکه برخی از آنها در موضوعات دیگر مانند تفسیر، ادب و غیره است (دربارۀ امالی نویسی و امالی‌ها نک: مهدوی دامغانی، ص ۱۳۰-۱۴۷).

۱- عبد السلام محمد هارون در مقدمه *امالی زجاجی* می‌نویسد: «امالی جمع کلمه املاء و آن بر خلاف قیاس جمهای عربی است» (ص ۱۴).

نمودار انواع کتابهای حدیث

- | | |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>الف - جوامع
ب - سنن
ج - صحاح
د - مصنفها
ه - مستدرکها
و - مستخرجهها
ز - مجامع یا کتابهای دیگر</p> | <p>۱ - کتابهایی که بر محور ابواب تالیف شده است</p> |
| <p>الف - مسندها
ب - اطراف</p> | <p>۲ - کتابهایی که بر محور نامهای صحابه مدون شده است:</p> |
| <p>الف - کتابهایی که احادیث مجموعه‌های حدیث گوناگون را در خود فراهم آورده‌اند</p> | <p>۳ - معاجم</p> |
| <p>ب - کتابهایی که احادیثی را در خود فراهم ساخته‌اند که بر سر زبان مردم جاری است.</p> | <p>۴ - کتابهایی که بر اساس واژه‌های آغازین احادیث مرتب شده است:</p> |
| | <p>۵ - زواید
۶ - کتابهای تخریج
۷ - جزءها
۸ - مشیخه‌ها
۹ - علل
۱۰ - آمالی</p> |

منابع:

- ابن حجر، احمد بن علی العسقلانی، *المطالب العالیة*، تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی، الطبعة الاولى، الكويت، ۱۳۹۳ ق / ۱۹۷۳ م.
- ابن حنبل، احمد بن محمد: *المسند*، شرحه و صنع فهارسه احمد محمد شاکر، مصر، دارالمعارف، ۱۹۴۹ - ۱۹۵۸ م.
- ابن سعد، محمد: *الطبقات الکبیر*، بتحقیق جماعة من المستشرقین، لیدن، ۱۳۲۱ ق.
- ابن الصلاح، ابو عمرو عثمان بن عبد الرحمن الشهرزوری: *مقدمة ابن الصلاح فی علوم الحدیث*، تحقیق عایشة عبدالرحمن (بنت الشاطیء)، مصر، وزارة الثقافة، ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۰ م.
- امین، احمد: *ضحی الاسلام*، الطبعة السادسة، القاهرة، مكتبة النهضة المصرية، ۱۹۶۱-۱۹۶۲ م.
- البخاری، محمد بن اسماعیل: *صحیح*، بیروت، دارالجلیل، بی تا.
- بهای، بهاء الدین محمد بن حسین العالی: *الاربعین*، چاپ تبریز، بی تا.
- الجوهري، اسماعيل بن حماد: *الصّحاح*، تحقیق احمد عبد الغفور عطّار، الطبعة الرابعة، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۹۰ م.
- حاجی خلیفة، مصطفی بن عبدالله: *كشف الظنون عن اسامی الكتب و الفنون*، استانبول، ۱۳۶۰ ق / ۱۹۴۱ م.
- الحُمَیْدی، ابوبکر عبدالله بن زبیر، *المسند*، تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی، الطبعة الاولى، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۸ م.
- الزّركلی، خیر الدین: *الاعلام*، الطبعة السابعة، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۶ م.
- السیوطی، جلال الدین: *تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی*، حقّقه عبدالوہاب عبداللطیف، الطبعة الثانية، القاهرة دارالکتب الحدیثة، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۶ م.
- همو: *جامع الاحادیث (الجامع الصغیر و زوائده و الجامع الکبیر)*، جمع و ترتیب عبّاس احمد صَفْر و احمد عبدالجواد، الطبعة الاولى، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م.
- شاکر، احمد محمد: *تعلیقه بر مقالة «حدیث» در دایرة المعارف الاسلامیة*، یصدرها بالعربیة احمد الشششای، ابراهیم زکی خورشید و عبد الحمید یونس، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- الصالح، صبحی: *علوم الحدیث و مصطلحه*، دمشق، مطبعة جامعة دمشق، ۱۳۷۹ ق / ۱۹۵۹ م.
- الصدر، السيد حسن: *تأسيس الشيعة الكرام لعلوم الاسلام*، تهران، منشورات الاعلمی (افست از

- روى چاپ عراق)، بى تا.
- الصنعانى، محمد بن اسماعيل الامير الحسنى: توضيح الافكار لمعاني تنقيح الانظار، تحقيق محمد محيى الدين عبدالحميد، الطبعة الاولى، القاهرة، ١٣٦٦ ق.
- عتر، نورالدين: منهج النقد فى علوم الحديث، الطبعة الثالثة، دمشق، دارالفكر، ١٤١٢ ق / ١٩٩٢ م.
- القاسمى، جمال الدين محمد: الفضل المبين على عقد الجواهر الثمين، تحقيق عاصم بهجة البيطار، الطبعة الثالثة، بيروت، دار النفائس، ١٤٠٩ ق / ١٩٨٨ م.
- الكتّانى، محمد بن جعفر: الرسالة المستطرفة، الطبعة الاولى، دمشق، ١٣٣٢ ق.
- مجمع اللغة العربية بمصر: المعجم الوسيط، الطبعة الثانية، به كوشش ابراهيم أنيس و ديگران، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٣٩٢ ق / ١٩٧٢ م.
- مدير شانجى، كاظم: دراية الحديث، چاپ دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم، زمستان ١٣٦٢ خورشيدى.
- علم الحديث، چاپ سوم، قم، انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم، زمستان ١٣٦٢ خورشيدى.
- مهدوى دامغانى، محمود: «امالى»، نشریه دانشكده الهيات و معارف اسلامى مشهد، ش ٢٦-٢٧، بهار و تابستان ١٣٧٥ خ / ١٣٩٨ ق.
- ميرداماد، مير محمد باقر الحسينى: الرواشح السماوية فى شرح احاديث الامامية، چاپ سنگى، تهران، ١٣١١ ق.
- واعظ زاده خراسانى، محمد: «تحقيق درباره كتاب كافي»، نامه آستان قدس، ش ٣، بهمن ماه ١٣٣٩ خورشيدى.
- هارون، عبدالسلام محمد: مقدمه بر امالى الزجاجى، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، الطبعة الاولى، القاهرة، ١٣٨٢ ق.
- Gibb, H. . R. and Kramers, J. H. (editor) *Shorter Encyclopadia of Islam*, Leiden, E. J. Brill, 1974.
- Junboll, Th.w., ibid. "HADITH".
- idem. *The Encyclopaedia of Islam*, new edition, vol VII, Leiden, E. J. Brill, 1992.